

**Research Article**

## **An Investigation of the Relationship between the BRICS and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran\***

Arezoo Kheradmandan<sup>1</sup>, Bahram Yousefi<sup>2</sup>, Roholah Shahabi<sup>3</sup>, Shiva Jalalpoor<sup>4</sup>

<sup>1</sup> PhD. Student, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.  
<https://orcid.org/0000-0003-0589-8721> \kheradmandan@gmail.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran  
(**Corresponding Author**). taghvaei99@vatanmail.ir

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.  
<https://orcid.org/0000-0003-2245-2449> \shahabi@gmail.com

<sup>4</sup> Assistant Professor, Department of Political Science, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.  
<https://orcid.org/0000-0003-4603-0582> \jalalpoor@gmail.com

### **Abstract**

The purpose of the present study is to explain the relationship between the BRICS members and the Islamic Republic of Iran. The research relies on the hypothesis that the relation between BRICS and the Islamic Republic of Iran is defined within the framework of foreign relations between Iran and the BRICS nations. The method of study is descriptive analysis and the results show that although the BRICS is against the U.S unilateralism, it does not seem to have sufficient resources or be able to moderate the effects of U.S sanctions against Iran as much as it is expected. Among the BRICS states, Russia indirectly benefits from the U.S sanctions against Iran as Iran's failure to produce more natural gas as well as its financial and technological failures to complete energy projects in near future would lead to a regional and global market in favor of Russia and to the detriment of Iran. On the other hand, the BRICS members have long-term plans to prevent the U.S unilateralism while they have not cut their political-economic relations with the U.S and have not challenged the structure of the international system. According to the approach of constructivism, the leaders ought to observe the norms of international structure in order to gain more benefit for their country as the constructivists hold that the countries' foreign policy and their close relations in the international level take a serious form in terms of their common approaches. It is evident that the BRICS members take this fact into account and thereby they would not get into an ideological fight with the U.S in the international arena. Therefore, the relations with the BRICS countries would have no extreme and ideal effect on the foreign policy of the Islamic Republic of Iran.

**Keywords:** BRICS, Foreign Policy, Global Economy, Political Economy, National Interests, Islamic Republic of Iran, Foreign Relations.

---

1 **The present study is taken from:** Arezoo Kheradmandan, PhD. thesis, Entitled: **The position of energy in the foreign policy equations of Iran and the BRICS countries according to US sanctions (2020-2015)**, Supervisor: Bahram Yousefi, Advisor: Ruhollah Shahabi and Shiva Jalala Pour is presented at the Islamic Azad University, Ahvaz Branch.

\* **Received:** 2020/11/14 ; **Accepted:** 2020/11/30

\*\* Copyright © the authors

## بررسی روابط گروه بریکس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران<sup>۱</sup>

آرزو خردمندان<sup>۱</sup>، بهرام یوسفی<sup>۲</sup>، روح اله شهابی<sup>۳</sup>، شیوا جلال پور<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

<https://orcid.org/0000-0003-0589-8721> \kheradmandan@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول). [taghvaei99@vatanmail.ir](mailto:taghvaei99@vatanmail.ir)

<sup>۳</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

<https://orcid.org/0000-0003-2245-2449> \shahabi@gmail.com

<sup>۴</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

<https://orcid.org/0000-0003-4603-0582> \jalalpoor@gmail.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر تبیین روابط بریکس و اعضای آن با جمهوری اسلامی ایران است. پژوهش بر این فرض استوار است که روابط گروه بریکس با جمهوری اسلامی، در چارچوب روابط ایران با اعضای آن تعریف می‌شود. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج حاکی از آن است که به نظر نمی‌رسد که گروه بریکس، علی‌رغم اینکه با یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده مخالف است، منابع کافی داشته باشد و یا بتواند اثرات تحریم‌های آمریکا بر ایران را تا حد مورد انتظار ایران کاهش دهد. در میان کشورهای بریکس، روسیه به طور غیرمستقیم از تحریم‌های ایران سود می‌برد و ناتوانی ایران در تولید بیشتر گاز طبیعی و ناتوانی مالی و فناوری ایران در تکمیل پروژه‌های انرژی در آینده نزدیک، باعث ایجاد بازار منطقه‌ای و جهانی به نفع روسیه و به ضرر ایران خواهد شد. از طرف دیگر اعضای بریکس، برنامه‌های بلندمدتی برای جلوگیری از یک‌جانبه‌گرایی آمریکا دارند و این در حالی است که روابط سیاسی-اقتصادی خود را با آمریکا قطع نکرده و ساختار نظام بین‌الملل را به چالش نکشیده‌اند. کما اینکه براساس رهیافت سازه‌نگاری، برای کسب منفعت بیشتر کشورها در نظام بین‌الملل، باید هنجارهای این ساختار را کارگزاران، رعایت کنند؛ چه اینکه سازه‌نگاران بر این اعتقادند که سیاست خارجی کشورها و نزدیکی روابط آنها در ساختار بین‌الملل، بنا به شباهت رویه‌ای که پیش گرفته‌اند، شکلی جدی می‌گیرد. روشن است که اعضای بریکس، این مهم را در خاطر دارند و به همین علت، حاضر به جنگ ایدئولوژیک با آمریکا در ساختار بین‌الملل نخواهند شد. از این جهت نمی‌توان تأثیراتی ماورائی و آرمانی در خصوص بریکس بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی متصور شد.

**کلیدواژه‌ها:** گروه بریکس، سیاست خارجی، اقتصاد جهانی، اقتصاد سیاسی، منافع ملی، جمهوری اسلامی ایران، روابط خارجی.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از: رساله دکتری آرزو خردمندان، با عنوان: جایگاه انرژی در معادلات سیاست خارجی ایران و کشورهای عضو بریکس با توجه به تحریم‌های آمریکا (۲۰۲۰-۲۰۱۵)، استاد راهنما: بهرام یوسفی، استاد مشاور: روح‌اله شهابی و شیوا جلال پور، ارائه شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز است.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰

## ۱. مقدمه

امروزه بازیگران دولتی در عرصه بین‌المللی برای تحصیل منافع خود، نخست باید ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه خود را ارزیابی نموده و بر همین اساس، اهداف و اولویت‌ها را مشخص و راهبرد لازم را برای نیل به آنها تدوین نمایند. یکی از ظرفیت‌های مهم جمهوری اسلامی ایران به منظور تامین بهتر منافع ملی، توانمندی‌ها و قابلیت‌های آن در حوزه انرژی است که موازی با رشد فزاینده تقاضای انرژی به ویژه در کشورهای نوظهور اقتصادی از جمله چین و هند می‌باشد. از این رو روشن نمودن راهبرد سیاست خارجی ایران و تاثیراتی که از گروه بریکس<sup>۱</sup> می‌گیرد، امری ضروری است.

بریکس، گروهی است که از پنج قدرت نوظهور اقتصادی تشکیل شده است که فارغ از روسیه، چهار کشور دیگر در دایره کشورهای نوظهور قرار می‌گیرند. چین، روسیه، هند، آفریقای جنوبی و برزیل هر کدام به طور جداگانه با جمهوری اسلامی در دهه‌های اخیر روابط سیاسی-اقتصادی داشته‌اند. اگرچه روابط ایران با سه کشور نخست بیش از دو کشور دیگر بوده است. علی‌رغم نگرانی‌های کلی در مقابل قدرت اقتصادی و سیاسی آمریکا - از جانب بریکس - اساس روابط ایران با بریکس در رابطه با هر کشور متفاوت می‌باشد. روش پژوهش حاضر تحلیلی-توصیفی بوده و از رهیافت سازه‌نگاری الکساندر ونت<sup>۲</sup> استفاده شده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

مرتبط‌ترین پژوهش در رابطه با مقاله حاضر، مقاله «الحاق جمهوری اسلامی ایران به گروه بریکس و برون‌رفت از چالش‌های سیاست خارجی» اثر فلاح (۱۳۹۴) است. نویسنده در این مقاله بر این اعتقاد است که جمهوری اسلامی ایران، به دلیل سیاست‌های کاهش وابستگی به غرب و راه‌حل برای مشکلات اقتصادی همچون تحریم‌های اقتصادی، تورم بالا و کاهش رشد اقتصادی، خواهان الحاق به گروه بریکس است. این کشور می‌تواند از طریق افزایش حجم مبادلات و مناسبات اقتصادی با اعضای بریکس، ضمن دور زدن تحریم‌های اقتصادی، تعدیل در روابط ایران و غرب را نیز به دست آورد.

1. BRICS

2. Alexander Wendt

همچنین ضیایی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با موضوع اهمیت و جایگاه گروه بریکس در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر این اعتقاد است که در عرصه تقابل با نظام امپریالیسم جهانی، چه در عرصه اقتصادی و چه نظامی و نیز در زمینه تحولات منطقه‌ای می‌توان اشتراکی‌گفتمانی بین کشور ایران و مجموعه بریکس مشاهده کرد که این خود زمینه لازم برای همکاری هرچه بیشتر اقتصادی را بین این دو فراهم می‌آورد. این همکاری هم می‌تواند در قالب پیوستن ایران به این مجموعه محقق شود و هم به شکل همکاری و تعامل طرفینی باشد.

وام هو، اسکات و هولم<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «فراتر از بریکس: استراتژی‌های جایگزین و تأثیر آن بر سیاست‌های جهانی توسعه»، استدلال می‌کنند که فارغ از بریکس، ظهور کشورهای جدید اقتصادی مانند آفریقای جنوبی، کره جنوبی، ترکیه و مکزیک که در حال پاسخ به رشد اقتصادی خود و نیز تأثیرگذاری بیشتر در امور منطقه‌ای و جهانی هستند، نظم جدیدی را در امنیت انرژی جهانی پدید آورده است. همچنین گروه‌هایی مانند بریکس می‌توانند در آینده‌ای نه چندان دور، اقتصاد جهانی را تحت‌الشعاع خود قرار دهند.

ایزدی و مطهری خوشینانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «ائتلاف ناتمام بریکس و نسبت آن با جمهوری اسلامی ایران»، بر این اعتقاد هستند که بریکس، اختلافات درون گروهی بسیاری دارد. ایران به منظور استفاده از منابع و ظرفیت‌های خود، به ارائه تعریفی نو از مناسبات خود براساس معیارهای ارزشی - ایدئولوژیک تقابلی با جهان غرب و نیز در جهت تأمین منافع ملی خویش ارتباط و تعامل با نهاد و سازمانی همچون بریکس را مورد توجه قرار داده است. فقدان یک ایدئولوژی و رویه قدرتمند در بریکس، زمینه ارتباط مستحکم با ایران را از بین می‌برد.

خرمشاد و سیفی (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «برجام و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»<sup>۳</sup> تلاش کرده‌اند که استراتژی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و

1. Matthias vom Hau, James Scott & David Hulme

2. Beyond the BRICs: Alternative Strategies of Influence in the Global Politics of Development

3. BRICS and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran

سیاست‌های بریکس را در سیستم بین‌الملل تحلیل کنند.

سعیدی و همکاران (۲۰۱۴) در مقاله «امکان ایجاد قرارداد تجارت ترجیحی با ایران و کشورهای برجام»<sup>۱</sup> بر این اعتقادند که گسترش جهانی شدن پدیده اقتصاد، باعث شده است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران، توجه ویژه‌ای به روابط منطقه‌ای و همکاری کشورها به منظور جلب توجه داشته باشند. همکاری با چنین کشورهایی ایران را ترغیب می‌کند تا زمینه را برای تجارت ترجیحی و هم‌گرایی اقتصادی با خود هموار کنند.

پژوهش حاضر با هدف بررسی ایجاد توافق تجاری ترجیحی بین ایران و بریکس انجام شده است. در این مطالعه تلاش گردید فرصت‌های هم‌گرایی تجاری ایران با بریکس روشن شود.

در مورد رابطه بین تحلیل سیاست خارجی و تئوری روابط بین‌الملل، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی معتقدند که تحلیل سیاست خارجی و روابط بین‌الملل کاملاً مستقل از یکدیگر هستند، در حالی که برخی دیگر معتقدند این دو حوزه نظری، مکمل یکدیگر می‌باشند. گروهی نیز اصرار دارند که می‌توان بین نظریه‌های سیاست بین‌الملل و نظریه‌های سیاست خارجی، رابطه تحلیلی برقرار کرد.

### ۳. چارچوب نظری سازه‌انگاری

پیشینه سازه‌انگاری آنچنان قدیمی نیست. برای اولین بار از اواخر دهه ۱۹۸۰، موضوعات سازه‌گرایی توسط افرادی مانند نیکلاس انف<sup>۲</sup> و فردریش کراتو چویل<sup>۳</sup> مطرح گردید، اما در آن زمان این نظرات نادیده گرفته شدند. در دهه ۱۹۹۰، به ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و در نتیجه فروپاشی سیستم دو قطبی، بار دیگر شاهد معرفی نظریه سازه‌گرایی هستیم. از همین زمان بود که سازه‌گرایی به عنوان نظریه جدیدی در حوزه روابط بین‌الملل توسط الکساندر ونت مطرح شد.

1. Feasibility of Establishing Preferential Trade Agreement with Iran and Countries of BRICs

2. Nicholas Onuf

3. Friedrich Kratochwil

در تفکر سازه‌انگاری، آنچه بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد، ماهیت اجتماعی بازیگران است، به این معنی که دولت‌های حوزه روابط بین‌الملل و هر بازیگر انسانی که می‌شناسیم، در واقع هویت اجتماعی خاصی دارند. به همین دلیل است که برخلاف واقع‌گرایی که بر ساختار مادی تأکید دارد، سازه‌انگاری بر ساختارهای معنایی تأکید می‌کند. اصولاً سازه‌گرایان معتقدند که در روابط بین‌الملل، دولت یک بازیگر اجتماعی است و خود دولت بر اساس اصول اجتماعی عمل می‌کند و محیط داخلی و محیط خارجی و بین‌المللی مجموعه قوانینی را وضع می‌کنند که بر اساس آنها به این ترتیب منافع آنها تأمین می‌شود. البته می‌توان گفت که هویت دولت‌ها در واقع نتیجه رابطه آنها با محیط اجتماعی آنها در داخل و محیط اجتماعی آنها در سیستم بین‌الملل است. سازه‌انگاران معتقدند که هویت امری تجربی است، که البته در مجموعه‌ای از زمینه‌های تاریخی و ساختارهای بین‌ذهنی معنا پیدا می‌کند. به همین دلیل، برخلاف خردگرایان، سازه‌گرایان معتقدند که هویت کشورها بر اساس بافت تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌باشد که در آن واقع شده است.

نگاه سازه‌انگاران به سیاست خارجی با الگوی کنش‌گرایانه و منطق کنش با رویکرد خردگرایی متفاوت است، زیرا دیدگاه سازه‌انگاران برخلاف انسان خردگرایان که بر مدل انسان اقتصادی تأکید می‌کنند، مبتنی بر انسان اجتماعی است (Daddow, 2019, P.4). سازه‌انگاران معتقدند که اگر می‌خواهیم بفهمیم چرا روابط متضاد یا مشترکی بین دولت‌های مختلف وجود دارد، باید بررسی کنیم که دولت‌ها چگونه منافع خود و محیطی را که در آن زندگی می‌کنند را درک می‌کنند، زیرا ماهیت این برداشت منجر به موقعیت‌های خاص سیاسی می‌شود و این مواضع و تصمیمات است که روابط بین‌الملل را شکل می‌دهد. این نوع نگرش به دولت و منافع آن است که سازه‌گرایی را با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی متمایز و در تقابل قرار می‌دهد. به طور کلی می‌توان گفت که تقابل روش‌شناختی و هستی‌شناختی سازه‌گرایی با الگوی رئالیسم و لیبرالیسم (انکار خردگرایی روش‌شناختی و هستی‌شناسی مادی‌گرایانه) منجر به دو اصل می‌شود:

۱) ساختارهای تأثیرگذار بر رفتار دولت‌ها (و افراد) عمدتاً ساختارهای اجتماعی هستند که ایده‌های مشترک دارند،

۲) هویت و منافع بازیگران هدفمند توسط این ایده‌های مشترک ساخته می‌شوند و

طبیعی نیستند. بنابراین، همه پدیده‌های اجتماعی را نمی‌توان در متن اقدامات عوامل فردی با اهداف و ویژگی‌های خاص (مادی) توضیح داد (Viotto & Kauppi, 2019, P.37).

#### ۴. سازه‌نگاری، هویت و سیاست خارجی

اولین گزاره هستی‌شناختی مهم در خصوص سیاست خارجی در سازه‌نگاری این است که ساختارها و هنجارهای فکری به اندازه ساختارهای مادی مهم هستند، زیرا سیستم‌های معناداری وجود دارد که نحوه تفسیر بازیگران از محیط مادی خود را مشخص می‌کند. گزاره دوم هویت‌هایی است که علایق و اعمال را شکل می‌دهد. درک چگونگی شکل‌گیری منافع برای توضیح طیف گسترده‌ای از پدیده‌های بین‌المللی که به درستی درک نشده یا از آن غفلت شده، کلیدی است (Wendt, 1992, P. 391-425).

مدل سیاست خارجی مبتنی بر سازه‌نگاری هنجارهای مشترک بین ذهنی در سطح داخلی و بین‌المللی، هویت ملی ایران را شکل می‌دهد. بنابراین، مرکز ثقل این مدل، نقش ملی است. این نقش، به نوبه خود، منافع خاص ملی را تعیین می‌کند که سیاست خارجی ایران را هدایت و شکل می‌دهد. بنابراین، با استفاده از این مدل می‌توان بررسی کرد که چگونه ساختارهای فکری و عقیدتی غیرمادی مانند ایدئولوژی و جهان‌بینی بر سیاست خارجی تأثیر می‌گذارند. تجزیه و تحلیل سیاست خارجی بر نقش هنجارهای بین‌المللی یا فراملی درونی شده مشترک در دولت‌هایی که در جامعه بین‌المللی تشکیل می‌شوند، تأکید می‌کند.

در واقع سازه‌نگاران معتقدند که نظریه‌هایی مانند واقع‌گرایی یا آرمان‌گرایی فقط به قاعده‌های تنظیمی توجه می‌کنند، در حالی که ادعای سازه‌نگاران این است که آنها برای توضیح روابط منازعه‌آمیز یا همکاری‌جویانه در عرصه بین‌الملل صرفاً به علل ساختاری مادی توجه نمی‌کنند، بلکه به قاعده‌های تکوینی نیز توجه دارند که این قاعده‌ها عبارتند از فهم‌های جمعی دولت‌ها که هویت آنها را شکل می‌دهد.

به طور خلاصه، سازه‌گرایی بر سه فرض هستی‌شناختی استوار است:

(۱) ساخت هویت و اهمیت ساختارهای معنایی و فکری در آن،

(۲) تعامل بین کارگزار و ساختار،

(۳) نقش هویت در شکل‌گیری منافع و سیاست‌ها.

همچنین در تحلیل سازه‌انگارانه سیاست خارجی، هنجارهای اجتماعی (انتظارات بین ذهنی و انتظارات مشترک از رفتار مناسب) متغیرهای مستقلی برای تبیین رفتار سیاست خارجی هستند که با سه ویژگی هنجارها از سایر متغیرهای ایدئولوژیکی متمایز می‌شوند: بین سوژه، جهت‌گیری و توجیه رفتار، ارجاع به ارزش‌ها. بر این مبنا ماهیت بین ذهنی، هنجارها را از سایر باورهای شخصی متمایز می‌کند. شاخص دوم (خاص بودن)، هنجارها را از ایده‌ها، ارزش‌ها و باورهای علی متمایز می‌سازد.

### ۵. سیاست خارجی جمهوری اسلامی

مهم‌ترین عامل و متغیر مستقلی که رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تعیین می‌کند، انتظارات ارزشی بین‌الذهانی در مورد رفتار مناسب یعنی هنجارهای اجتماعی فراملی و ملی بوده که کشور با آن مواجه است. هنجارهای فراملی توضیح‌دهنده و عامل رفتارهای یکسان این کشور و همچنین تمایز و تفاوت رفتاری آن در سطح بین‌المللی است. از یک طرف، در ساختارهای هنجاری بین‌المللی یکسان، جمهوری اسلامی رفتاری شبیه سایر کشورها بروز می‌دهد، از سوی دیگر از آنجا که هنجارهای بین‌المللی در وضعیت‌های بین‌المللی و به ویژه منطقه‌ای متفاوتی شکل می‌گیرند، باعث تنوع و تفاوت رفتاری آن با کشورهای دیگر می‌شود، اما با وجود این، مهم‌ترین عامل تنوع رفتار سیاست خارجی ایران ناشی از هنجارهای اجتماعی داخلی کشور است که در نظم حقوقی، قانون اساسی، برنامه‌های انتخاباتی و حزبی، مناظرات پارلمانی و داده‌های مبتنی بر تحقیقات پیمایشی متجلی می‌شوند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۴۹).

جمهوری اسلامی ایران از شاخص‌های اسلامی، انقلابی و ایرانی تشکیل شده است و در قانون اساسی و سیاست خارجی می‌توان نقش این ارزش‌ها و هنجارها را در این واقعیت مشاهده کرد که سه دسته هنجارها در شکل‌گیری هویت جمهوری اسلامی ایران نقش دارند: گفتمان اسلامی، هنجارهای گفتمان حقوقی و ایرانی بودن. ساختارهای هنجاری در تعیین منافع کشورها در ساختار بین‌الملل نقش دارند و از طرف دیگر، عملکرد کشورها نیز نقشی اساسی در حفظ و تغییر ساختارها دارد. هنجارهای نهادی به هویت کشورها معنا می‌دهند و الگوهای رفتاری را تعریف می‌کنند. اما در عین حال، تعامل مشترک کشورها است که ساختارهای اجتماعی را ایجاد و حفظ می‌کند.



ساختارهای هنجاری که معمولاً در نظریات روابط بین‌المللی جدی گرفته نمی‌شوند، باید در تحلیل سیاست خارجی مورد توجه قرار گیرند. بر این اساس هنجارهای داخلی با هنجارهای نظام بین‌الملل در ارتباط هستند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از یک‌سو تحت تأثیر سیاست‌های کارگزاران داخلی و از سوی دیگر در سطح نظام بین‌الملل و ساختار منطقه‌ای تحت تأثیر فضای هنجاری مسالمت‌آمیز یا تهاجمی حاکم بر نظام بین‌الملل بوده است. بنابراین، درک ساختارهای هنجاری جمهوری اسلامی ایران از یک‌سو و درک ماهیت فضای هنجاری نظام بین‌الملل از سوی دیگر، مستلزم تحلیل مناسب رفتار سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی است. به عبارت دیگر، رفتار سیاست خارجی ایران نتیجه تعامل دو شرایط هنجاری داخلی و بین‌المللی بوده که البته جمهوری اسلامی معمولاً سعی در تقابل با نظم بین‌الملل در مقابل امریکا و کشورهای غربی کرده است. همین رویه در قالب سیاست خارجی، موجب شده است تا جمهوری اسلامی به جبهه شرق، و کشورهایی چون روسیه و چین تمایل بیشتری نشان دهد. در این بین هند و افریقای جنوبی و تا حدودی برزیل (به عنوان یکی از اعضای بریکس) را نیز می‌توان به انتخاب‌های دستگاه سیاست خارجی ایران اضافه کرد. در واقع گروه بریکس را همین چهار کشور به علاوه برزیل تشکیل داده‌اند.

بریکس مورد تصورات مختلف و گاه متناقض قرار گرفته است. برخی از محققان آن را به عنوان رقیب سلطه غرب و مروج نظم جدید بین‌المللی تفسیر کرده‌اند (Babb, 2013, P.268). برخی دیگر ادعا می‌کنند که یک ببر کاغذی بوده و از اهمیت کمی برخوردار است، زیرا اعضای آن با هم اختلاف داشته و تمایل به حمایت از نهادهای لیبرال موجود را دارند (Bilgin, 2008, P.6). اگرچه بریکس به عنوان ائتلافی علیه سلطه غرب آغاز شده است، اما با افزایش نفوذ چین در امور جهانی، تلاش‌های متعادل‌کننده روسیه یا هند یا حتی هر دو با هم در تقابل با یکدیگر قرار خواهند گرفت. به عنوان مثال در تابستان ۲۰۱۷، در جریان بحران داکلام<sup>۱</sup>، تنش‌های چین و هند تا نزدیک یک تنش نظامی پیش رفت. این نمونه و نمونه‌های مشابه، مفهوم روابط متناقض بین کشورهای بریکس را پشتیبانی می‌کنند. به

عنوان مثال، هند به شریک ایالات متحده در هندو- اقیانوس آرام تبدیل شده و به طور فعال به دنبال روابط نزدیکی با ژاپن و استرالیا است. این مسئله را می‌توان واکنشی به حضور فزاینده چین در جنوب آسیا و هندو- اقیانوس آرام دانست که عدم تعادل و تفاهم قدرت در بریکس را نیز شامل می‌شود. در ادامه، میزان تاثیر و تاثیر این کشورها به طور مجزا بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

## ۶. کشورهای بریکس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی

اقتصاد جهانی در حال تغییر یک پارادایم است، از الگوی اقتصادی تحت سلطه غرب به الگوی پیچیده‌تر و چند قطبی. مراکز مصرف، تولید و نوآوری، دیگر صرفاً در اقتصادهای غربی متمرکز نیستند، بلکه به سمت اقتصادهای نوظهور در قاره‌های مختلف، به ویژه چین، روسیه، برزیل و هند و همچنین آفریقای جنوبی به نام بریکس تغییر یافته‌اند. یکی از موضوعات اصلی آینده این ائتلاف جدید، امنیت انرژی است. این مفهوم نه تنها در نیمکره غربی، بلکه در کشورهای جهان در حال ظهور اقتصادی در دهه‌های فعلی و آینده نیز از اولویت‌های مهم سیاست‌گذاران است.

تقاضای جهانی برای انرژی اولیه در سال‌های آینده رو به افزایش بوده و براساس پیش‌بینی‌های بین‌المللی، هیدروکربن‌ها هنوز منبع غالب انرژی خواهند بود. در نتیجه، روابط گسترده انرژی با دیگر کشورهای غنی از نفت و گاز در خارج از بریکس مانند اوپک، به طور کلی، و ایران، به طور خاص، بسیار قابل توجه‌تر به نظر می‌رسد. کشور ایران، به عنوان دومین کشور در سراسر جهان از نظر ذخایر فسیلی ترکیبی، از موقعیت اقتصادی- ژئوپولیتیکی برجسته‌ای برخوردار است. بدیهی است که ایران از این نظر می‌تواند نقش برجسته‌ای در آینده انرژی داشته باشد (Valizadeh & et al., 2013, P.135-164). همین نکته می‌تواند در سازه‌انگاری مورد توجه قرار گیرد که در قالب هنجارهای بین‌الذلهانی قابل تعریف است. بریکس یک گروه اقتصادی بوده و یکی از پایه‌های اصلی سیاست خارجی ایران نیز اقتصاد بین‌المللی است که پیوند عجیبی با منابع انرژی مانند نفت و گاز دارد.

ما نباید ماهیت گروه بریکس را جدا از ماهیت کشورهای عضو آن در نظر بگیریم؛ به عبارتی دیگر، وقتی از بریکس بحث می‌کنیم و آن را گروهی اقتصادی می‌نامیم، نباید از سیاست خارجی چین، روسیه، آفریقای جنوبی، هند و برزیل در مسیر کسب منافع ملی

بیشتر برای کشورهايشان غافل شويم. در واقع اگر می‌خواهيم تاثر و تاثرات بریکس را بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی تحلیل کنیم، راهی جز این نخواهيم داشت که روابط ایران با ۵ کشور عضو بریکس را مورد ارزیابی قرار بدهيم و این نکته را کشف کنیم که هنجارهای بین‌دانی هر کدام از این ۵ کشور در تعریف سیاست خارجی‌ای که دارند، تا چه اندازه در تقابل و یا موازات نسبی جمهوری اسلامی است.

یکی از مسائل هم در سیاست خارجی ایران، برجام است که اتفاقاً کشورهای بریکس به طور جداگانه و همچنین در قالب گروه، در رابطه با آن اظهارنظرهایی داشته‌اند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دهه اخیر به نوعی با برجام گره خورده است. در خصوص بریکس نیز این مهم قابل ردیابی می‌باشد. آژانس‌های اعتباری صادراتی برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی از زمان اجرای توافق هسته‌ای به تدریج رتبه ایران را در طبقه‌بندی ریسک خود بهبود بخشیدند. اجرای توافق هسته‌ای که به طور رسمی تحت عنوان برنامه جامع اقدام مشترک شناخته می‌شود، در ژانویه ۲۰۱۶ نشان‌دهنده حذف تحریم‌های هسته‌ای بین‌المللی علیه ایران به عنوان بخشی از توافق امضاء شده بین تهران و پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل بود (چین، روسیه، ایالات متحده، فرانسه و انگلیس به علاوه آلمان در ژوئیه ۲۰۱۵). (Arefmanesh, 2017) که دو کشور از گروه موسوم به ۱+۵ نیز از اعضای بریکس بودند.

چین و روسیه که در طی دهه‌های اخیر با ایران همکاری‌های اقتصادی و سیاسی مطلوبی داشته‌اند، پس از تحریم‌ها، روابط بهتری با جمهوری اسلامی داشتند که البته این وضع پس از خروج امریکا از توافق هسته‌ای دوباره شکننده شد. همین مسئله نشان می‌دهد که هنجارهای بین‌المللی چین و روسیه در قبال ساختار بین‌الملل و امریکا منعطف‌تر از ایران حرکت کرده است. در واقع چین و روسیه، سعی در راضی نگه داشتن ایران با دشمنی با امریکا و ساختار بین‌الملل نداشته و سیاست خارجی خود را بر پایه منفعت بیشتر اقتصادی و سیاسی از دو طرف امریکا و ایران بنا نهاده‌اند. اگرچه بریکس گروهی با مرکزیت مسائل اقتصادی است، اما به مشکلات جدی جهانی و تنش‌های منطقه‌ای مانند بحران سوریه، افغانستان، سودان و تحریم‌های ایران واکنش نشان داده است. در دوران ریاست جمهوری اوباما، رهبران بریکس بارها مخالفت خود را با تحریم‌های امریکا علیه ایران ابراز داشته‌اند. تا جایی که در اجلاس بریکس که در دهم مارس ۲۰۱۲ در دهلی

برگزار شد، ایران محور مذاکرات این گروه بود. برای درک بهتر سیاست‌های هر یک از این کشورها در مواجهه با تحریم‌های آمریکا علیه صنعت انرژی ایران، باید به حجم تجارت بین این کشورها و نقش ایران در امنیت انرژی این کشورها توجه کرد.

جمهوری اسلامی ایران امیدوار است که در صورت عدم همکاری اروپا به دلیل تحریم‌ها، شرکت‌های چینی و روسی در قالب بریکس بتوانند فروش نفت و گاز جمهوری اسلامی را تضمین کنند. چه اینکه ادامه سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران در حال حاضر برای کشورهایی که پیش از تحریم در ایران فعالیت می‌کردند، تقریباً امکان‌پذیر نیست. بنابراین، در خصوص روابط بین ایران و بریکس می‌توان چند سطح را در نظر گرفت:

اول اینکه روابط ایران با دو کشور چین و روسیه پیشینه‌ای تاریخی دارد. دوم انرژی مرکز ثقل روابط ایران با برزیل، آفریقای جنوبی و هند است و سوم جمهوری اسلامی ایران برای کسب منافع ملی بیشتر باید در سیستم سیاست خارجی خود در خصوص روابط با بریکس، رفتار منعطف‌تری داشته باشد.

جمهوری اسلامی ایران پس از تحریم‌ها ثابت کرده است که یکی از روش‌های موثر در سیاست خارجی برای دستیابی به اهداف و منافع ملی، استفاده از ابزارهای اقتصادی است. هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ می‌تواند رفتار دولت‌ها را تغییر دهند. علاوه بر این، بین قدرت‌های بزرگ در سیستم بین‌الملل با اقتصادهای برتر رابطه مستقیمی وجود دارد و تغییر موقعیت اقتصادهای بزرگ نوید انتقال قدرت در سیستم بین‌الملل را می‌دهد. اگرچه به نظر می‌رسد که بیشتر قدرت‌های بزرگ، به ویژه ایالات متحده، تاکنون از تاکتیک‌های اقتصادی در سیاست خارجی خود استفاده کرده‌اند، اما بررسی روند توسعه بسیاری از کشورهای بریکس (روسیه، چین، هند، برزیل و آفریقای جنوبی) نشان می‌دهد که دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی این کشورها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (دانشور محمدزادگان و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱). به نظر می‌رسد که مدار کلی سیاست‌های بریکس تلاش برای تعریف هنجارهای جدید بین‌المللی در نقد سیاست‌های بین‌المللی با آمریکا است که در این مورد هماهنگ با سیاست خارجی ایران نیز هست که سال‌هاست بر تقابل با قدرت آمریکا و غرب، اصول سیاست خارجی خود را بنا نهاده است. چه اینکه با دقت در سیاست‌های بریکس می‌توان به نوعی هویتی مشترک را در خصوص سیاست

خارجی جمهوری اسلامی ایران و بریکس مشاهده کرد. سیاست‌های اصلی بریکس به طور کلی بر این مبنا بوده است:

- افزایش تجارت بین کشورهای عضو و در نتیجه کاهش وابستگی اقتصادی به اروپا و ایالات متحده،
- ایجاد یک بانک توسعه و ذخایر ارزی با نهادهای غربی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول،
- تلاش برای برقراری روابط جنوب و جنوب، تا از پتانسیل کشورهای در حال توسعه برای تغییر بهره بگیرند،
- روابط اقتصادی جهانی را با هنجارهای جدید تعریف کنند و تأثیر مثبتی بر بحران‌های بزرگ سیاسی یا اقتصادی جهانی داشته باشد (Sokolov & et al., 2019, P.2).

## ۷. روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عضو بریکس

### ۷-۱. چین

یکی از مهم‌ترین کشورها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چین است. چین با توجه به قدرت روزافزونی که پیدا می‌کند و به رغم کشاکش و قدرت‌نمایی‌هایی که در قلمروهای آبی همجوار علیه کشورهایی مانند ژاپن نشان می‌دهد، یا تمرکزی که بر بسط قدرت نظامی و فضایی خود دارد، تغییر و تحول در نظام بین‌الملل و تأمین نظرات و منافع خویش در این زمینه را همچنان در درون این نظام و با همکاری با قدرت‌های بزرگ دنبال می‌کند و درصدد درونی کردن هنجارها و هویت خود در ساختار بین‌الملل است. این در حالی است که ایران به عنوان منتقد نظم بین‌المللی کنونی این تصور را دارد که می‌تواند با تاختن به آن و به چالش کشیدن آن به هدفش برسد. چین و ایران از سده‌های گذشته تاکنون با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند. این روابط بعد از انقلاب اسلامی، شکل جدی‌تری به خود گرفت، اگر از کمک‌های چین در خصوص نیروگاه‌های هسته‌ای ایران بگذریم، بی‌شک روابط اقتصادی جمهوری اسلامی با چین را نمی‌توان در طی چهار دهه انقلاب اسلامی نادیده گرفت. روابطی که حتی در اوج تحریم‌ها نیز تداوم خود را حفظ کرده است. چین در سیاست خارجی ایران و البته اقتصاد ایران تأثیر بسزائی دارد تا جایی که این کشور را به عنوان اولین واردکننده نفت ایران می‌شناسند. سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی

در کشورهایی که چین از آنها نفت و گاز وارد می‌کند، یکی از ارکان اصلی سیاست ملی، امنیت انرژی این کشور است. حضور گسترده چین در بخش انرژی ایران مطابق با اهداف استراتژیک چین در خاورمیانه است. روابط ایران و چین را می‌توان از نقطه نظر اهمیت استراتژیک خاورمیانه در سیاست خارجی چین به وضوح مشاهده کرد. ثبات در خاورمیانه و امنیت تنگه هرمز همیشه مورد توجه چین بوده است. چین همواره بر این باور است که تحریم‌ها و فشارها نمی‌تواند به عنوان راه حل مطرح باشد، اما از مذاکره با ایران برای حل اختلافات موجود بر سر برنامه هسته‌ای این کشور حمایت می‌کند. در این مورد عدم همراهی چین در خصوص تحریم‌های پسابرجام که از ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ شروع شدند، موید ادعای ما است.

هماهنگی چین با نظم بین‌المللی و همکاری با قدرت‌های غربی با رویکرد تقابل محور ایران با نظام بین‌الملل که در برخی دولت‌ها بیشتر نمایان می‌شود، ناسازگار است. این امر، همراه با چالش‌های گاه خصمانه روابط ایران با اسرائیل و برخی از قدرت‌های غربی، محدودیت‌های قابل توجهی در توسعه روابط ایران و چین ایجاد کرده است. در همین حال، چین همیشه در جهت منافع و سیاست خارجی ایران عمل نکرده است. به عنوان مثال با اینکه ایران ۱۰ درصد انرژی وارداتی چین را تأمین می‌کند، اما چین در سال ۲۰۱۰ به جمع موافقان تحریم ایران در قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت پیوست (موسوی شفقانی و دارابی، ۱۳۹۰، ص ۶۸).

اگر واقع‌بینانه به روند مناسبات تهران - پکن نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد که چین همواره در تنظیم مناسبات با تهران، اصل مزیت‌گرایی، متعادل‌سازی و عمل‌گرایی را دنبال کرده است. این اصل در چارچوب سیاست خارجی عمل‌گرایانه چین قابل تعریف می‌باشد. برای مثال تحرکات جدید چین در حوزه تأمین انرژی و نفت مورد نیاز این کشور در منطقه از جمله تعاملات جدید چین با عربستان سعودی و همچنین فعالیت‌های چین در منطقه آسیای مرکزی و شمال آفریقا مبین این موضوع است که سیاست چین بر تنوع‌سازی و جایگزینی در منابع تأمین انرژی و به تبع آن کاهش جایگاه ایران به عنوان یکی از منابع تأمین نفت چین در خاورمیانه استوار می‌باشد. این امر، توجه بیشتر چین به سیاست تأمین انرژی از طریق کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را به دنبال داشته است. به طوری که امروزه کشورهایی نظیر عربستان و امارات و قطر، مناسبات گرمی با پکن دارند. در همین

زمینه مشاهده می‌شود حساسیت این کشور برای نهایی‌سازی قراردادهای مهم انرژی از ایران کاهش یافته است. با این وجود، سقف روابط سیاسی پکن - تهران تا جایی ارتقاء می‌یابد که روابط پکن - واشنگتن را با مانع روبرو نکند. در اینجاست که نوعی تقابل دیدگاه و انتظار از سوی رهبران دو کشور ایران و چین پدید می‌آید. ایران انتظار دارد چین از سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایران متناسب با توانایی‌های جهانی حمایت کند، در برابر اقدامات یک‌جانبه و رفتارهای زورگویانه آمریکا مقاومت کند و در توسعه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران سهم باشد. براساس اهداف پیش گفته، چینی‌ها تمایل زیادی برای دخالت در مشکلات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشان نمی‌دهند و از درگیری بین ایران و جهان غرب، به ویژه درگیری تهران - واشنگتن خودداری می‌کنند. هنجارها در سیاست خارجی در نظریه سازه‌نگاری بسیار مورد اهمیت هستند. درخصوص روابط چین و جمهوری اسلامی ایران نیز می‌توان هنجار سیاست قدرت گرفتن چین در مقابله با رویه غرب و آمریکا در نظام بین‌الملل را به نوعی مشابه با رویه جمهوری اسلامی ایران در خصوص نقد نظام بین‌الملل تعریف کرد.

#### ۷-۲. هند

یکی دیگر از کشورهای عضو بریکس که نقشی اساسی در سیاست خارجی ایران دارد، هند است. هند یکی از مهمترین مصرف‌کنندگان اصلی نفت ایران است تا جایی که مخالفت خود را با تحریم‌های آمریکا علیه صادرات نفت ایران اعلام کرد. همچنین مقامات این کشور خواستار معافیت از این کشور شدند. ایران با ارائه تخفیف ویژه به مشتریان هندی و همچنین بیمه کشتی‌های نفتکش ایرانی که به هند سفر می‌کنند، سیاست حفظ بازار را دنبال می‌کند. تنوع بخشیدن به منابع انرژی یکی از اصول اساسی امنیت انرژی هند است و در این راستا، با ادامه واردات نفت از ایران، هند به دنبال افزایش سهم سایر کشورها از سبد انرژی خود خواهد بود. تا جایی که در ۲۲ مه ۲۰۱۶، نارندرا مودی<sup>۱</sup>، نخست وزیر، یک سفر رسمی به ایران انجام داد (Dawn, 2016). این دیدار بر روی اتصال و زیرساخت‌های دو جانبه، مشارکت انرژی و تجارت متمرکز بود.

روابط ایران و هند تا پیش از کشته شدن قاسم سلیمانی و تحریم‌های جدید امریکا نسبتاً مطلوب ارزیابی می‌شد. این در حالی است که ترور سردار سلیمانی و تقابل آشکار بین امریکا و ایران، هند را در تنگنا قرار داده است. هند مدت‌ها است که از یک رابطه بسیار قوی با ایران برخوردار است. چه اینکه، هند سرمایه‌گذاری عظیمی در ساخت بندر چابهار در ایران انجام داده است (در سال ۲۰۱۷ معامله هند با ایران منجر به سرمایه‌گذاری ۸ میلیارد دلاری در اقتصاد ویژه چابهار شد). این بندر یک مقابله راهبردی با بندر گوادر پاکستان است که ۱۰۰ کیلومتر دورتر بوده و توسط چین در حال توسعه است. با این وجود در پس‌زمینه تنش‌ها بین امریکا و ایران، هند مجبور شده روابط خود با ایران را هم‌زمان با حفظ روابط استراتژیک با امریکا و اسرائیل تنظیم کند. در واقع در اینجا نیز تقابل هنجاری سیاست خارجی هند با جمهوری اسلامی خود را نشان می‌دهد. از طرفی هند خواستار بهبود روابط با ایران است، از طرف دیگر تحریم‌های امریکا و روابط هند با اسرائیل مانعی جدی در راه بهبود روابط هند با ایران است (Siddiqui, 2020, P.1). بر این اساس هند دیگر نمی‌تواند بی‌طرف یا خاموش باقی بماند. هند باید با یک سیاست خارجی روشن خود را بازتعریف کند و اتحادی را انتخاب کند که نه تنها از منافع خود محافظت کند، بلکه در صحنه بین‌المللی نیز نقش فعالی داشته باشد. بنابراین، احتمال پایین آمدن سطح روابط هند با جمهوری اسلامی بود، به طوری که هند در تلاش است تا انرژی مورد نیاز خود را نیز که از ایران می‌گرفت، با کشورهایی چون عربستان جایگزین کند. در چارچوب سازه‌نگاری می‌توان به تجربه تاریخی مشترک در خصوص روابط هند و ایران اشاره کرد که باعث نوعی گشایش در روابط سال‌های اخیر با جمهوری اسلامی شده است.

### ۷-۳. روسیه

دیگر کشور بریکس، روسیه است. سیاست روسیه در خاورمیانه کاملاً منطبق با منافع این کشور است: برای ایفای نقش خود به عنوان یک قدرت بزرگ، ثبات منطقه و به حداقل رساندن هرگونه خطر تا آنجا که ممکن است، این فرصت‌ها را فراهم می‌کند که در قبال ایران نیز همین سیاست را پیش گرفته است. کما اینکه روسیه اگرچه مخالف تحریم‌های یک‌جانبه علیه ایران است، اما یکی از کشورهایی است که به منظور ایجاد کمبود در بازار نفت تحریم‌هایی را علیه ایران اعمال کرده و با عربستان وارد بازار نفت کرده است و سهمی در



بازار ایران دارد. اگرچه تاریخ و پیشینه روابط سیاست خارجی کشور ایران با روسیه عمری بلند دارد، همیشه ایرانی‌ها نسبت به روس‌ها نگاهی بدبینانه داشته‌اند، این در حالی است که مقامات جمهوری اسلامی، روسیه را به عنوان یکی از کشورهای اصلی در سیاست خارجی خود می‌شناسند. در این پس بازگشت تحریم‌ها از سال ۱۳۹۷ به بعد، رفته رفته روابط روسیه و ایران ضعیف‌تر شد. امروزه روسیه، ایران را به عنوان یک کشور مهم در مهار سلطه آمریکا و تقویت نفوذ خود در خاورمیانه می‌بیند که از زمان اتحاد جماهیر شوروی رو به افول گذاشته است. با این حال، تسلط منطقه‌ای برای ایران به نفع سیاست خارجی روسیه نیست که برای حفظ ثبات متکی به تعادل است. به همین دلیل روسیه، در قبال تحریم‌های آمریکا، واکنشی جدی در دفاع از ایران نشان نداده است تا ساختار بین‌الملل را با توجه به قدرت خود تنظیم کند و به نوعی کشورهای منطقه را نسبت به قدرت ایران، آگاه سازد. علاقه روسیه به محدود کردن و کنترل برنامه هسته‌ای ایران بسیار زیاد و اساسی است. «از دیدگاه روسیه، ایران نقش مهمی در حوزه نیرو در خاورمیانه دارد، با این حال روسیه همچنین در تلاش است تا روابط خود را با کشورهای منطقه نسبت به ایران گسترش دهد یا تقویت کند: قطر، عربستان سعودی، اسرائیل - این سیاست چند بُرداری با سلطه یک قدرت منطقه‌ای، حتی ایران، سازگار نیست. علاوه بر این، منافع مختلف منع مشارکت اساسی بین روسیه و ایران، غیر از منافع ناشی از شرایط وجود دارد. منافع اقتصادی عامل کم اهمیت‌تری برای روسیه است. تجارت بین دو کشور ناچیز است (۱,۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸) و روسیه و ایران در بازارهای نفت و گاز رقیب هستند» (Voswinkel, 2019). سازه‌انگاران بر این اعتقادند که هویت یک دولت در سیاست خارجی با توجه به ارجاعات ارزشی در گذشته و آینده است که شکل می‌گیرد. در خصوص روسیه نیز می‌توان گفت که در ۴ دهه اخیر جمهوری اسلامی به نوعی با شکل روابطی که با روسیه داشته، گره خورده است. از این جهت منافع و محیط منطقه‌ای و بین‌المللی‌ای که هر دو کشور دارند، نزدیکی‌هایی با یکدیگر دارد که نمونه آن در خصوص سیاست‌های مشترک جمهوری اسلامی ایران در سوریه و همکاری با روسیه در این حوزه است.

#### ۷-۴. برزیل

در سال‌های اخیر، ایران با کشورهای آمریکای لاتین روابط اقتصادی ایجاد کرده است.

ایران و برزیل روابط چندان مستحکمی را نداشته‌اند، اگرچه در چند سال اخیر گشایش‌هایی در سیاست خارجی دو کشور در حوزه انرژی صورت گرفته است، اما در قیاس با چین، روسیه و هند دیگر اعضای بریکس، روابط ایران- برزیل در سطح ضعیف‌تری قرار دارد. اگرچه اگر رئیس‌جمهور راست‌گرای برزیل، جائر بولسونارو<sup>۱</sup>، خود را با ترامپ و ایالات متحده هم‌سو کرده است، برزیل هنوز به عنوان شریک تجاری پیشرو ایران در آمریکای لاتین عمل می‌کند، اروگوئه و آرژانتین در رتبه بعدی قرار دارند (Lissardy, 2020). در حالی که تنش بین ایالات متحده و ایران پس از خروج برجام و ترور سردار سلیمانی ادامه دارد، برزیل در دوگانگی پیچیده‌ای در خصوص سیاست خارجی خود و روابط با ایران و امریکا قرار گرفته است، کما اینکه با بالا گرفتن تنش‌ها، برزیل، باید یکی از متحدان سیاسی ایالات متحده بودن یا شراکت اقتصادی با ایران را انتخاب کند.

ایران به عنوان یک شریک تجاری قابل توجه و مصرف‌کننده محصولات کشاورزی برزیل عمل کرده است. با این حال، روابط سیاسی بولسونارو با ایران کمتر دوستانه بوده است. اگرچه ایران از نظر اقتصادی از نظر برزیل دارای اهمیت است، اما دولت بولسونارو نشان داده که روابط با ایران احتمالاً کاهش می‌یابد. ایران و برزیل نیز در سال ۲۰۱۹ پس از آنکه برزیل از سوخت‌گیری دو کشتی ایرانی به دلیل تحریم‌های آمریکا خودداری کرد، دچار تنش‌های سیاسی شدند. ایران ادعا کرد که این کشتی‌ها پر از ذرت بوده، در حالی که برزیل بر این نظر بود که کشتی حامل اوره است که می‌تواند برای ساخت مواد منفجره استفاده شود. یکی از اصلی‌ترین دلایل ایجاد شکاف در سیاست خارجی جمهوری اسلامی و برزیل، ایالات متحده امریکا است. چرا که روابط اقتصادی ظاهراً شکننده پس از برجام بین ایران و برزیل که توسط سایر کشورهای آمریکای لاتین، از جمله آرژانتین نیز پیش گرفته شده به این خاطر است که برزیل و کشورهای آمریکای لاتین نمی‌خواهند با هنجارهای بین‌المللی و قدرت امریکا در ساختار نظام بین‌الملل روبرو شوند. بر این اساس ترجیح می‌دهند در انتخاب بین ایران و امریکا، دومی را انتخاب کنند.

---

1. Jair Bolsonaro

## ۷-۵. آفریقای جنوبی

جمهوری اسلامی یکی از اولین کشورهایی بود که پس از پایان آپارتاید<sup>۱</sup> تجارت خود را با آفریقای جنوبی از سر گرفت و از آن زمان دو کشور از روابط محکمی برخوردار بوده‌اند. تجارت یکی از عناصر جدایی‌ناپذیر این رابطه بوده است، مقامات ایرانی ارزش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران در آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۸ را تقریباً ۱۳۵ میلیارد دلار تخمین زده‌اند (Campbell, 2019). ایران با آفریقای جنوبی بیشتر در زمینه انرژی همکاری دارد، چراکه آفریقا بازار خوبی را برای فروش صنعت پتروشیمی ایران در اختیار دارد. آفریقای جنوبی همچنین از منافع ایران در سازمان ملل حمایت کرده و در موضوعات مهم در شورای امنیت سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در کنار ایران بوده است. تعهد آفریقای جنوبی برای حفظ روابط دیپلماتیک با ایران در دوران تحریم‌ها به دو کشور این امکان را داده است که در مجامع مشترک فن‌آوری تجارت، همکاری علمی و گردشگری شرکت کنند. آفریقای جنوبی بخشی از تلاش تهران برای جبران هزینه‌های تحریم‌های ایالات متحده و افزایش انزوای دیپلماتیک از غرب است. این رابطه هنوز جای رشد دارد، اما این روابط و دیگر کشورها یک حیاط خلوت برای ایران ایجاد کرده است تا قدرت تحریم‌های امریکا را کاهش دهد.

سازمان‌نگاری نه بر ساختار، که بر فرایند تاکید دارد. این نظریه ادعا می‌کند که ساختار سیاست‌های بین‌المللی به هنجارها و تعبیر واقعیت توسط شرکت‌کنندگان در محافل بین‌المللی وابسته است. اگر دولت‌ها نظام ارزشی اقتدارگرا را نتخاب کنند و به شکلی آشوب‌گرانه رفتار کنند، در نتیجه سیستم به نظام مورد ادعای واقع‌گرایان شبیه می‌شود و اگر دولت‌ها همکاری کنند، به مفهوم لیبرال نزدیک می‌شوند. هویت، عنصر مهمی از سیاست بین‌الملل می‌باشد. ناسیونالیسم و دین هر دو ابعاد مهمی از هویت هستند. مردم بیشتر تمایل کمک به کسانی را دارند که با آنها در هویت مشترکی سهیم می‌باشند. دولت‌ها آمادگی دارند تا با کسانی هم‌پیمان شوند که به آنها شبیه هستند. به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی در سیاست خارجی خود سال‌ها است تقابل با ساختار بین‌الملل را پی

گرفته است، این تقابل با ساختار که در رأس آن امریکا و غرب قرار دارد، موجب بحران‌هایی در دستگاه سیاست خارجی شده است که یکی از این بحران‌ها، تحریم‌ها است و دیگر یارکشی کشورهای عربی در منطقه است که رفته‌رفته از جمهوری اسلامی دورتر می‌شوند. از زمان بوجود آمدن بریکس تاکنون، جمهوری اسلامی تمایل خود را نسبت به برقراری ارتباط با این گروه اقتصادی ابراز داشته است و روسیه، چین و هند، سه کشوری در بریکس هستند که بیشترین تراز اقتصادی را در دستگاه سیاست خارجی ایران به خود اختصاص داده‌اند و در منطقه نیز روابطی نوسانی با ایران داشته‌اند. اما آنچه واضح است اینکه بریکس یا گروه‌های مشابه، در تقابل مستقیم با ساختار، قد علم نکرده‌اند و سیاست‌ها و هنجارهای تثبیت شده ساختار بین‌الملل را پاس می‌دارند، در این بین منافع خود را نیز بر اساس هنجارهای بین‌دولتی بین‌المللی و هویت داخلی پیش می‌گیرند. بنابراین، انتظار اینکه بریکس بتواند تأثیرات شگرفی را بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی بگذارد، غیرمنطقی است. کما اینکه پس از برجام و اعمال تحریم‌ها از طرف امریکا، روسیه و چین اولویت را بر منافع ملی خود گذاشتند، نه حمایت از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران.

## ۸. نتیجه‌گیری

بریکس، گروهی از قدرت‌های در حال توسعه با سیاست تجدیدنظرطلبی بلندمدت در ساختار بین‌الملل است. بنابراین، تلاش گروه بریکس برای ایجاد یک سیستم چندجانبه، روشی متداول در سیستم بین‌المللی براساس توانائی‌های فعلی است. اگرچه اعضای بریکس، درصدد نقض هنجارهای بین‌المللی نیستند و ارتباط سیاسی-اقتصادی خود را با کشورهای چون امریکا به عنوان برترین اقتصاد جهان حفظ کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران، از آغاز به‌کار بریکس تاکنون تمایل خود را برای همکاری بیشتر با این گروه اقتصادی ابراز کرده است. اگرچه جمهوری اسلامی سال‌ها است با کشورهای چون روسیه، چین، هند، آفریقای جنوبی و در این اواخر، برزیل روابط خوبی داشته است. واقعیت این است که موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک ایران در کنار منابع عظیم نفت و گاز، فرصت خوبی برای همکاری بیشتر ایران با این کشورها برای گسترش بیشتر در حوزه سیاست خارجی و اقتصادی است. شرکت‌های خصوصی این کشورها در بیشتر زمینه‌های مورد نیاز ایران هستند و از نظر سرمایه و فناوری مطلوب بوده و می‌توانند قسمت قابل

توجهی از نیازهای ایران را برآورده کنند. پس از خروج امریکا از برجام، تحریم‌های ایالات متحده به طور حتم تأثیر منفی بر حجم تجارت ایران با کشورهای برجام خواهد داشت و کشورهای واردکننده نفت باید بخش قابل توجهی از نیازهای نفتی خود را از کشوری غیر از ایران تأمین کنند. صنعت نفت و گاز ایران به فناوری و سرمایه خارجی نیاز دارد. به نظر نمی‌رسد که گروه بریکس، علی‌رغم اینکه با یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده مخالف است، منابع کافی داشته باشد و یا بتواند اثرات تحریم‌های آمریکا بر ایران را تا حد مورد انتظار ایران کاهش دهد. در میان کشورهای بریکس، روسیه به طور غیرمستقیم از تحریم‌های ایران سود می‌برد و ناتوانی ایران در تولید بیشتر گاز طبیعی و ناتوانی مالی و فناوری ایران در تکمیل پروژه‌های انرژی در آینده نزدیک، باعث ایجاد بازار منطقه‌ای و جهانی به نفع روسیه و به ضرر ایران خواهد شد. از طرف دیگر اعضای بریکس، برنامه‌های بلندمدتی برای جلوگیری از یک‌جانبه‌گرایی آمریکا دارند و این در حالی است که روابط سیاسی-اقتصادی خود را با امریکا قطع نکرده و ساختار نظام بین‌الملل را به چالش نکشیده‌اند. کما اینکه براساس رهیافت سازه‌نگاری، برای کسب منفعت بیشتر کشورها در نظام بین‌الملل، باید هنجارهای این ساختار را کارگزاران، رعایت کنند؛ چه اینکه سازه‌نگاران بر این اعتقادند که سیاست خارجی کشورها و نزدیکی روابط آنها در ساختار بین‌الملل، بنا به شباهت رویه‌ای که پیش گرفته‌اند، شکلی جدی می‌گیرد. روشن است که اعضای بریکس، این مهم را در خاطر دارند و به همین علت، حاضر به جنگ ایدئولوژیک با امریکا در ساختار بین‌الملل نخواهند شد. از این جهت نمی‌توان تاثیراتی ماورائی و آرمانی در خصوص بریکس بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی متصور شد.

## منابع

۱. ایزدی، جهانبخش؛ مطهری خوشینانی، مصطفی (۱۳۹۴). ائتلاف ناتمام بریکس و نسبت آن با جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات روابط بین الملل*، ۸(۳۱)، ص ۴۱-۶۸.
۲. دانشور محمدزادگان، فاطمه؛ میری کلاه کج، فاطمه؛ شفیع زاده برمی، سمانه (۱۳۹۶). اهمیت و کارکردهای دیپلماسی اقتصادی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای بریکس. در: همایش بین المللی حقوق علوم سیاسی و معارف اسلامی، قرچک.
۳. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸). منابع ملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *سیاست*، ۳۹(۳).
۴. ضیایی، محمدعلی (۱۳۹۵). اهمیت و جایگاه گروه بریکس در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
۵. فلاح، مهرداد (۱۳۹۴). الحاق جمهوری اسلامی ایران به گروه بریکس و برون رفت از چالش های سیاست خارجی. پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه مازندران.
۶. موسوی شفتائی، مسعود؛ دارابی، گلتاب (۱۳۹۰). اهداف و ابعاد دیپلماسی انرژی چین. *روابط خارجی*، شماره ۱۲، ص ۵۳ - ۸۰
7. Arefmanesh, S. (2017) **BRICS Accounts for One-Third of Iran's Non-Oil Trade**. *Financial Tribune Daily*.
8. Babb, S. (2013). The Washington Consensus as Transnational Policy Paradigm: Its Origins, Trajectory and Likely Successor. *Review of International Political Economy*, 20(2), P.268-297. **Doi:** 10.1080/09692290.2011.640435.
9. Bilgin, P. (2008). Thinking Past Western IR?. *Third World Quarterly*, 29(1), P.5-23. **Doi:** 10.1080/01436590701726392.
10. Campbell, J. (2019). Shedding Light on the Iran-South Africa Relationship **ForeignAffairs** . Available At: <https://www.cfr.org/blog/shedding-light-iran-south-africa-relationship>.
11. Daddow, O. (2019). Global Britain: the discursive construction of Britain's post-Brexit world role. *Global Affairs*, 5(1), P. 5-22, **DOI:** 10.1080/23340460.2019.1599297.
12. Dawn.com (4 December 2016). **Iran offers to mediate between Pakistan and India**. dawn.com. Retrieved 13 July 2017. Available at: <https://www.dawn.com/news/1300336>.
13. Khorramshad, M. & Seifi, A. (2019). BRICS and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *Journal: political and international science and Research*, 11(40), P.45- 68.
14. Lissardy, G. (13 Jan 2020). **La gran paradoja de las relaciones de Irán con América Latina**. BBC World. Retrieved Tuesday, January 14, 2020. Available at: <https://www.bbc.com/mundo/noticias-america-latina-51086716>.
15. Saeidi, R. ; Saeidi, K. & Dehghani, A. (2014). Feasibility of Establishing Preferential Trade Agreement with Iran and Countries of Brics *journal of economic research and policies*, spring, 22(69).
16. Siddiqui, R. (2020). **Why India needs to re-think its Iranian foreign policy** .The Times of

- India, Available at: <https://b2n.ir/837761>.
17. Sokolov, A. & et al. (2019). Quantitative analysis for a better-focused international STI collaboration policy: A case of BRICS. *Technological Forecasting and Social Change*, 147, P.221-242.
  18. Valizadeh, A. & Houshialsadat, S.M. (2013) Iran and the BRICS: The Energy Factor. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 2(14), P. 135 - 164.
  19. Viotti, P.R. & Kauppi, M.V. (2019). **International Relations Theory**. University of Denver.
  20. Vom Hau, M. ; Scott, J. & Hulme, D. (2012). Beyond the BRICs: Alternative Strategies of Influence in the Global Politics of Development. *Eur J Dev Res*, 24, P. 187–204. <https://doi.org/10.1057/ejdr.2012.6>
  21. Voswinkel, J. (2019). **Russia and Iran: Foreign policy as a balancing act**. Heinrich-Böll-Stiftung.
  22. Wendt, A. (1992). Anarchy is what states, make of it. *International organization*, 20(1).

## References

1. Arefmanesh, S. (2017). **BRICS Accounts for One-Third of Iran's Non-Oil Trade**. Financial Tribune Daily.
2. Babb, S. (2013). The Washington Consensus as Transnational Policy Paradigm: Its Origins, Trajectory and Likely Successor. *Review of International Political Economy*, 20(2), P.268–297. **Doi:**10.1080/09692290.2011.640435.
3. Bilgin, P. (2008).Thinking Past Western IR?. *Third World Quarterly*, 29(1), P.5–23. **Doi:** 10.1080/01436590701726392.
4. Campbell, J. (2019). Shedding Light on the Iran-South Africa Relationship. **ForeignAffairs** . Available At: <https://www.cfr.org/blog/shedding-light-iran-south-africa-relationship>.
5. Daddow, O. (2019). GlobalBritain: the discursive construction of Britain's post-Brexit world role. *Global Affairs*, 5(1), P. 5-22, **DOI:** 10.1080/23340460.2019.1599297.
6. Daneshvar Mohammadzadegan, F. ; Miri Kolah Kaj, F. & Shafizadeh Barmi, S. (2017). **The importance and functions of economic diplomacy in the foreign relations of the Islamic Republic of Iran and the BRICS countries**. In: International Conference on Political Science Law and Islamic Education, Qarchak. [In Persian]
7. Dawn.com (4 December 2016). **Iran offers to mediate between Pakistan and India**. dawn.com. Retrieved 13 July 2017. Available at: <https://www.dawn.com/news/1300336>.
8. Dehghani Firoozabadi, S.J (2009). National Resources of Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *Politics*, 39(3). [In Persian]
9. Fallah, M (2015). **The accession of the Islamic Republic of Iran to the BRICS group and the exit from foreign policy challenges**. Master Thesis, Department of Political Science, University of Mazandaran. [In Persian]
10. Izadi, J & Motahari Khoshinani, M. (2015). The unfinished BRICS alliance and its relationship with the Islamic Republic of Iran. *International Relations Studies*, 8 (31), P. 41-68.

[In Persian]

11. Khorramshad, M. & Seifi, A. (2019). BRICS and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *Journal: political and international science and Research*, 11(40), P.45- 68.
12. Lissardy, G. (13 Jan 2020). **La gran paradoja de las relaciones de Irán con América Latina**. BBC World. Retrieved Tuesday, January 14, 2020. Available at: <https://www.bbc.com/mundo/noticias-america-latina-51086716>.
13. Mousavi Shafaei, M. & Darabi, G. (2011). Objectives and dimensions of Chinese energy diplomacy. *Foreign Relations*, No. 12, P. 53-80. [In Persian]
14. Saeidi, R. ; Saeidi, K. & Dehghani, A. (2014). Feasibility of Establishing Preferential Trade Agreement with Iran and Countries of Brics. *journal of economic research and policies, spring*, 22(69).
15. Siddiqui, R. (2020). **Why India needs to re-think its Iranian foreign policy** .The Times of India, Available at: <https://b2n.ir/837761>.
16. Sokolov, A. & et al. (2019). Quantitative analysis for a better-focused international STI collaboration policy: A case of BRICS .*Technological Forecasting and Social Change*, 147, P.221-242.
17. Valizadeh, A. & Houshialsadat, S.M. (2013). Iran and the BRICS: The Energy Factor. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 2(14), P. 135 - 164.
18. Viotti, P.R. & Kauppi, M.V. (2019). **International Relations Theory**. University of Denver.
19. Vom Hau, M. ; Scott, J. & Hulme, D. (2012). Beyond the BRICs: Alternative Strategies of Influence in the Global Politics of Development. *Eur J Dev Res*, 24, P. 187–204. <https://doi.org/10.1057/ejdr.2012.6>.
20. Voswinkel, J. (2019) **Russia and Iran: Foreign policy as a balancing act**. Heinrich-Böll-Stiftung.
21. Wendt, A. (1992). Anarchy is what states, make of it. *International organization*, 20(1).
22. Ziaee, M.A. (2016). **The importance and position of the BRICS group in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran**. Master Thesis, Department of Political Science, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. [In Persian]

شیوه ارجاع به این مقاله

DOI: 10.22034/sej.2020.1915033.1273

خردمندان؛ آرزو؛ یوسفی، بهرام؛ شهابی، روح‌اله؛ جلال پور، شیوا (۱۳۹۹). بررسی روابط گروه بریکس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *سیهر سیاست*، دوره ۷، شماره ۲۶، ص ۹۷-۱۲۰.